

ظلمی به آن‌ها شده است، چهار سال است به دنبال این هستیم که یک اثر درباره شیعیان افغانستان بسازم اما دریغ از یک حمایت! هنوز یک مستند درباره علامه بلخی که همراه شیخ بهلول در واقعه گوهرشاد مشهد بود و در آن حادثه سخنرانی کرد، نداریم، او بهلول را به هرات فراری می‌دهد و ۱۵ سال هم در زندان های ظاهرشاه بوده است.

مفهوم زیارت در نگاه افغان‌های یک سوژه دیگر است که اگر پرداخته شود، جلوی گسترش وهابیت در آن جا را می‌گیرد.

این‌ها موضوع‌هایی است که روی زمین مانده است. مخاطب صحبت‌های من فقط همه نهادها و دستگاه‌های فرهنگی مردمی و دولتی نیست که دغدغه اصلاح رابطه ایران و افغانستان دارند، متدینین پول پنج دیک شله را بدهند به مستندسازان تا این اتفاق بیافتد!

### ■ شما با مهاجران افغان داخل ایران و بازگشته به افغانستان بر خورد داشته‌اید، مهاجران افغان به ایران چه نگاهی دارند؟

در این باره خاطره‌ای تعریف می‌کنم، در کابل تا کسی گرفتیم، راننده‌اش اهل سنت بود که خیلی خوب ایران را می‌شناخت و در ایران زندگی کرده بود، وی درباره نگاه مهاجران به ایران مثالی از زندگی خودش زد و گفت: من در ورامین زندگی می‌کردم و یک همسایه بسیار خوب داشتم و باهم خیلی نزدیک بودیم، آن قدر که ماشین خریدم و چون مهاجران اجازه تملک ندارند، آن را به نام همین همسایه‌ام زدم. بعدها همراه با خانواده به سمت جنوب ایران مسافرت کردیم، در حالی که همه مدارک و مجوزهای لازم را داشتیم، در یکی از پاسگاه‌ها ماموری جلوی ما را گرفت و در حالی که عصبانی بود گفت چرا مسافرت می‌کنید؟ بعد کارت و مجوز من را پاره کرد! این راننده به من می‌گفت: خدماتی که شما در ایران به افغان‌ها دادید و برخورد مردم خوش را فراموش نمی‌کنیم اما برخی از اشتباهات دل ما را چرکین می‌کرد اما باز هم لطف شما یادمان نمی‌رود، بنابراین همان طور که گفتم موضوع مهاجران دو طرفه است.

نسل‌های تمایلی به بازگشت ندارند، به خاطر رسانه‌های ماست. در نهایت هم سراغ نخبگان مهاجر رفتیم.

### ■ به عنوان کسی که از نزدیک با مهاجران و مردم افغانستان برخورد داشته‌اید، چه چیزی در موضوع مهاجران افغان مورد غفلت قرار گرفته است؟

شما که به هرات می‌روید، کمتر کسی را پیدا می‌کنید که در ایران نبوده باشد، اکثرا ایران به ویژه مشهد را بلد هستند، مشهد و هرات آن قدر شبیه به هم‌اند که اگر در هرات قدم بزنید انگار در مشهد هستی.

یکی از چیزهایی که درست به آن توجه نشده، نیت مهاجرت است؛ چرا افغان‌ها از میانه و شمال افغانستان به مشهد می‌آیند؟ در حالی که از شمال به تاجیکستان بسیار نزدیک‌تر هستند و راحت‌تر می‌توانند به آن جا بروند.

آمدن به مشهد به خاطر یک نگاه دینی و معنوی و مبتنی بر رویکرد امام (ره) مبنی بر امت واحده بودن مسلمانان و این که ما به افغان‌ها پناه می‌دهیم، است. خیلی از متدینین افغان می‌گویند به خاطر دینمان به ایران آمده‌ایم، آمدیم که فرزندانمان در فضای جمهوری اسلامی بزرگ شوند، خیلی‌ها وقتی به ایران می‌آیند نگاهشان به ایران نگاه بعد از انقلاب اسلامی و زمان ولایت فقیه است، حتی اهل سنت هم چنین نگاهی دارند چرا که از ظلم نظام شاهی به ستوه آمده‌اند، این که عمدتاً به مشهد می‌آیند تحت تاثیر حضور امام رضا (ع) است.

### ■ به نظر خودتان، مستند «هم‌زبانی و بی‌زبانی» چقدر توانسته در میان هنرمندان برای معرفی مهاجران و فرهنگ افغانستان موثر باشد؟

کاری که ساختم در حد بضاعت بود، ۱/۵ سال وقت گذاشتم اما تعجب این است که چرا کسی این راه را ادامه نداد؟ چرا دیگران با این موضوع مستند و فیلمی نساختند؟ هنوز کلی سوژه‌های کار نکرده در افغانستان است. ما هنوز یک اثر تحقیقی در مورد شیعیان افغانستان نداریم، نمی‌دانیم در تاریخ چه

متوجه واقعیت‌ها شدیم؛ حتی مسئولی که شش سال در افغانستان بوده است هنوز به چنین واقعیتی نرسیده است.

لذا نگاهی که حتی مسئولین ما در افغانستان دارند، انتزاعی است، چون با مردم افغانستان ارتباطی نداشته‌اند و در کف جامعه با آن‌ها نبوده‌اند، همین بازخورد به رسانه‌ها منتقل و تبدیل به یک فاجعه می‌شود، آن وقت در سریال‌های ما باب می‌شود که حتماً در هر سریال یک کارگر یا شخصیت افغان وجود داشته باشد، کارهایی که رضا عطاران در سریال‌های طنزش انجام داد به شدت به رابطه ما با افغانستان ضربه زد. در افغانستان بدون استثناء همه مردم از این سریال‌ها ناراحت بودند و به ما می‌گفتند همه افغان‌ها در ایران که صرفاً کارگر نیستند! همین باعث شد در مستند «هم‌زبانی و بی‌زبانی» یک قسمت از ۱۷ قسمت را به مهاجران اختصاص بدهیم.

آن‌جا متوجه شدیم بهترین استاد کاران در رشته‌های مختلف افغان هستند و تعداد زیادی استاد دانشگاه و پزشک افغان در ایران وجود دارد. ما یک دکتر افغان حتی در یک سریال مان داشته‌ایم؟ در سریال‌های ما همیشه افغان‌ها کارگرند! آن هم کارگرانی که از لحاظ قیافه و ظاهر زیبا نیستند یا این که عیب جسمی دارند. چرا در رسانه‌های ما هر افغان را که می‌بینیم با نژاد هزاره‌هاست؟ هزاره‌هایی که به مردم مشهد و خراسان جنوبی شبیه‌اند و چهره‌ی آسیای شرقی دارند، در حالی که افغانستان قومیت‌های مختلف دارد.

### ■ با این حال فیلم‌های متفاوت از این فضا همانند یک متر مکعب عشق هم ساخته شده‌است، این نمی‌تواند نشان دهنده تغییر جایگاه مهاجران افغان در رسانه‌های ایران باشد؟

به طور کلی حتی آثاری مثل یک متر مکعب عشق را هم اگر نگاه کنیم، متوجه می‌شویم هنوز نتوانسته است افغانستان را به خوبی بشناسد، حتی در این فیلم‌ها با این که شخصیت‌های افغان عزت‌مند اما باز هم کارگرند! هر هنرمندی که پایش را فراتر از ایران گذاشته است و به افغانستان رفته، نگاهش تعدیل شده است، نمونه‌اش کتاب جانستان کابلستان رضا امیرخانی است.

### ■ مهاجران افغان در مستند «هم‌زبانی و بی‌زبانی» چه جایگاهی دارند؟

در مجموعه مستند ما یک قسمت به طور خاص به مهاجران اختصاص داده شده است، در آن سه نگاه را لحاظ کردیم، اول اسم آن را بازگشت گذاشتیم، دوم این بازگشت از اجبار و دستور نیست، سوم آن را در مهاجران که به افغانستان بازگشتند، بررسی کردیم؛ به این نتیجه رسیدیم در میان افغان‌ها کسی نیست که تمایلی به بازگشت به وطن خودش را نداشته باشد، حتی افغان‌های متولد ایران تمایل دارند که حداقل افغانستان را یک بار ببینند، شاید که خوشش بیاید و به آن جا بازگردد. این که می‌بینیم همین



دانشگاه کابل